

از نیل تا تورابورا

صد سال تاریخ سیاسی منطقه خاورمیانه

گفت‌وگو با هایکو فلوتانو

● علی ایمن حامد

● ترجمه علی علی محمدی

عضو مؤسسه خانه کتاب

می‌شود برمی‌گردد؛ زمانی که انگلیس اعلامیه ضرورت «بازگشت» یهودیان را به سرزمین فلسطین اعلام کرد و بعدها به صدور بیانیه بالفور در ۱۹۱۷ در پشتیبانی و حمایت بریتانیا از یهودیان اروپایی که به این سرزمین مهاجرت می‌کردند منجر شد و در اثنای پژوهش به این نتیجه رسیدم که ما همیشه درباره انتفاضه اول فلسطین در ۱۹۸۷ و انتفاضه دوم در ۲۰۰۰ صحبت می‌کنیم در حالی که در واقع انتفاضه سوم یا به تعبیر دقیق‌تر انتفاضه اولی وجود دارد و آن انتفاضه حسینی در سالهای ۱۹۳۶ تا ۱۹۴۰ است.^۲

به اعتقاد شما موانع توسعه و پیشرفت در جهان عرب چیست؟

مانع نخست وجود برخی نظامهای استبدادی است که مانع شکل‌گیری جامعه مدنی قوی هستند. باید جامعه مدنی فعال ایجاد شود. علاوه بر آن باید اقتصاد ملی قابل توسعه همانند اقتصاد برخی کشورهای خلیج وجود داشته باشد. عامل سوم هم هست که بیش از اینکه اتهام شمرده شود، شرح واقعیت موجود است و آن اینکه جامعه عربی همچنان جامعه‌ای قبیله‌ای است و پیوندهای آنها خانوادگی، قبیله‌ای و منطقه‌ای است و به نظر می‌رسد این مسئله در انتخاباتی که در بیشتر کشورهای عربی برگزار می‌شود آشکار است. درحالی که پیوند و همبستگی در اروپا افقی است و مثل شرایط امروز عربی عمودی نیست.

بنابراین به نظر شما این مسئله به فرهنگ اجتماعی بر می‌گردد؟

مسیحیت تا قرن‌ها به سرکوب دموکراسی در اروپا اقدام می‌کرد و تحولات اجتماعی، سیاسی و صنعتی‌ای که پس از آن روی داد در نتیجه نزع دموکراسی بر ضد کلیسا بود. اما این نمونه را نباید به همه فرهنگها تعمیم داد. به نظر من مشکل جهان عرب، در فرهنگ نیست بلکه در شیوه تفکر است و حتی قبل از اسلام در میان عربها اعتقاد به سرنوشت محتوم لایتغیر وجود داشته و برای تغییر و دگرگون‌سازی تلاشی نمی‌کردند. الان برخی از کشورهای اسلامی غیرعربی موفقیت‌های اقتصادی و سیاسی عظیمی به دست آورده‌اند که آن بحث را درباره رابطه فرهنگ اسلامی با تحول رد می‌کند و چه بسا این فرهنگ به اصلاح و انطباق گفت‌وگو متناسب با عصر کنونی نیاز دارد.

به نظر شما در پرتو نگرش تاریخی به صد سال نزاع میان اسرائیل و

از نیل تا تورابورا^۱ از آثار مهمی است که اخیراً به قلم کارشناس امور خاورمیانه و روزنامه‌نگار آلمانی، هایکو فلوتانو^۲، که پانزده سال به عنوان خبرنگار روزنامه زوددویچه‌زایتونگ آلمان در خاورمیانه فعالیت می‌کرده و این کتاب پایانبخش فعالیت وی در این منطقه است منتشر شده است. وی در این کتاب یکصد سال از تاریخ سیاسی منطقه خاورمیانه را، از قرارداد سایکس - پیکو تا پایان دوران سیاستهای بوش و بلر، تشریح کرده و بر مبنای شرق‌شناسانه دو دیدگاه متعارض را مطرح می‌کند. درباره این کتاب و برخی از مسائل خاورمیانه که هایکو بدانها پرداخته، روزنامه الشرق الاوسط گفت‌وگویی با وی کرده که در زیرمی‌آید:

اولین سؤال این است که چه شد تصمیم گرفتید تاریخ خاورمیانه در صد سال را بنویسید؟

این کتاب را برای این نوشتم که احساس کردم بسیاری از اروپاییان و به ویژه آلمانیها ریشه‌های منازعات خاورمیانه را نمی‌دانند. از این‌رو تصمیم گرفتم پژوهش کاملی درباره یکصد سال تاریخ خاورمیانه و تشریح علل منازعات مختلف منطقه و زمینه‌های تاریخی آن بنویسم. همچنان که در تشریح تاریخ سیاسی منطقه به دیدگاههای اروپاییان اکتفا نکردم و تلاش کردم تا منازعات منطقه را از زاویه نظرگاه عربی نیز بررسی و تحلیل کنم.

منابع پژوهشی شما در این دیدگاه عربی چه بوده است؟

در طول پانزده سالی که به عنوان خبرنگار زوددویچه‌زایتونگ در خاورمیانه فعالیت می‌کردم، به تمام کشورهای عربی سفر کردم و با شخصیت‌های بسیاری از جریانهای مختلف سیاسی صحبت کردم. ملت عربی منبع اول من در تشریح دیدگاه عربی بوده است. علاوه بر آن شمار زیادی از پژوهشها و آثار تاریخی عینی و علمی را که فارغ از مبانی ایدئولوژیکی بود، مطالعه کردم.

فکر می‌کنید در ایجاد این تعادل و برابری که مد نظر تان بوده، توفیقی داشته‌اید؟

بله اعتقاد دارم. چون بازخورد مثبتی درباره آن در آلمان وجود داشت و یادداشتهای بسیاری از خوانندگان را درباره تأثیر کتاب بر آنان در فهم حقیقت و ماهیت منازعات منطقه خاورمیانه دریافت کردم و حتی نامه‌هایی از برخی از مدرسان و معلمان آلمان به دستم رسید که اعلام کرده بودند از این کتاب در تدریس موضوع تاریخ خاورمیانه به دانش‌آموزان مدارس آلمان استفاده می‌کنند. تصور می‌کنم که موفقیت‌هایی حاصل شد. یک دلیل دیگر بر این موفقیت اهتمام یک ناشر مصری در ترجمه و نشر آن به زبان عربی است.

فرضیه اساسی که شما کوشیده‌اید آن را به خواننده آلمانی ارائه کنید چیست؟

ایده اصلی، تشریح منشأ و ریشه‌های نزاع اعراب و اسرائیل بود که به بریتانیای قرن نوزدهم و آنچه مسیحیت صهیونیستی نامیده

در زمینه بازسازی خاور نزدیک و خاورمیانه تلاشهای بیشماری صورت می‌گیرد تا کشورهای شرق را در خدمت مصالح بی‌شمار غرب درآورد

ما همیشه درباره انتفاضة اول فلسطين در ۱۹۸۷ و انتفاضة دوم در ۲۰۰۰ صحبت می کنیم در حالی که در واقع انتفاضة سومى يا به تعبير دقيق تر انتفاضة اولی وجود دارد و آن انتفاضة حسينی در سالهای ۱۹۳۶ تا ۱۹۴۰ است

فلسطينیها می گویند آنها طی ده سال آینده، در سرزمین تاریخی فلسطين اکثریت خواهند بود و همه امور سرانجام به آنان باز خواهد گشت

همچنین حکومت‌های عربی باید برای خیزش اقتصادی و اجتماعی در راه استقلال از سلطه آمریکا تلاش کنند. زیرا جهان عرب صاحب منابع و انرژی‌هایی است که می‌تواند آنان را در آغاز این راه کمک کند

دورنمای کنونی خاورمیانه از نیل تا تورابورا چگونه می‌بینید؟

منازعات فلسطين کماکان ادامه خواهد یافت. همچنین این جنگ در لبنان، هرگز آخرین جنگ نخواهد بود. عراق نیز همچنان در تونل تیره و تاریک غمگین به خون گرفتار خواهد بود. از سوی دیگر بحران هسته‌ای ایران نیز وجود دارد و در افغانستان هم گروه طالبان مجدداً با قدرت بازگشته و القاعده نیز همچنان تهدیدی واقعی و جدی برای آمریکا محسوب می‌شود و این در حقیقت به مثابه شکست سریع سیاست‌های غرب در منطقه خاورمیانه است. شما به کشورهایی که صاحب تسلیحات هسته‌ای اند نگاه کنید که در عین حال به دستیابی کشورهای دیگر به این تسلیحات معترض‌اند. به جای اقدامات گزینشی و تبعیض آمیز که غرب بر ملت‌های منطقه اعمال می‌کند، باید برای گسترش تحریم این سلاح‌های کشتار جمعی در این منطقه و دیگر مناطق جهان اقدام کرد. در پایان و نتیجه آنچه بحث شد باید بگویم که من نمی‌توانم نگرانی خودم را از آنچه در انتظار خاورمیانه، از نیل تا تورابوراست پنهان کنم.

پی‌نوشت:

۱. تورابورا منطقه‌ای است در افغانستان که تحت نفوذ القاعده و طالبان است.
۲. هایکو فلوتاو دومین روز جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹ م.) در برلین به دنیا آمد. پدرش معلم بود. خدمت سربازی خود را به‌ناچار در صفوف ارتش نازی به جا آورد. فلوتاو در رشته تاریخ و زبان انگلیسی در دانشگاه ساربروگین به تحصیل پرداخت و در ۱۹۶۷ به عنوان خبرنگار محلی در روزنامه زودویچه‌زیتونگ مشغول به کار شد. وی در ۱۹۷۶ خبرنگار بدون مرز میان کشورهای اروپای شرقی شد و در آغاز دهه هشتاد برای پوشش حوادث منطقه بالکان به کشورهای این منطقه منتقل شد. پس از آن در ۱۹۸۶ به منظور پوشش اخبار حوادث انتفاضة اول فلسطين و جنگ کویت به منطقه خاورمیانه اعزام شد. فلوتاو در ۱۹۹۴ دوباره به شرق اروپا بازگشت و دو سال در این منطقه فعالیت کرد سپس مجدداً به خاورمیانه بازگشت. وی صاحب تالیفاتی در حوزه سیاست بین‌الملل است که اغلب آنها را بر اساس مشاهدات عینی خود در اثنای فعالیت خبرنگاری‌اش به نگارش درآورده است که از جمله آنها می‌توان به کتاب گرسنگی در سرزمین خدا که پدیده ذلت‌بار گرسنگی را در ایالات متحده بررسی می‌کند، اشاره کرد.
۳. اشاره نویسنده به قیام خاندان حسینی علیه فعالیت صهیونیستها در منطقه فلسطين به رهبری حاج امین‌الحسینی و عبدالقادر الحسینی است. گفتنی است که عزالدین قسام نیز در چارچوب همین قیام، فعالیت داشته است. (کتاب ماه علوم اجتماعی)

اعراب، آیا امکان صلح میان دو طرف وجود دارد؟

از جنبه سیاسی واقع‌گرایانه چیزی به نام صلح امکان‌پذیر نیست. آنجا جز جنگ چیزی نیست و فقط فرقی در این است که گاهی شرایط اوج می‌گیرد و گاهی آرامش نسبی حاکم می‌شود. از منظر تاریخی و با توجه به شرایط موجود، نمی‌توان درباره امکان دستیابی به راه حل و مصالحه خوشبین بود. فلسطینیها می‌گویند آنها طی ده سال آینده، در سرزمین تاریخی فلسطين اکثریت خواهند بود و همه امور سرانجام به آنان باز خواهد گشت، از این رو اسرائیل دیوار حایل را ایجاد کرده است. بنابراین فرضیه‌های راه حل همچنان دشوار می‌نماید.

از بررسی تطبیقی تاریخی‌ای که در کتابتان میان اشغال بغداد در ۱۹۱۷ به دست بریتانیا و ۲۰۰۳ به دست آمریکاها انجام داده اید، چه منظوری داشتید؟ آیا می‌خواستید تشابه میان اهداف آنها را نشان دهید و آیا «ذهنیت استعماری» طبق تعبير شما همچنان وجود دارد؟

تشابه در شرایط و اهداف و حتی در سخنان و بیانیه‌هایی که بریتانیاییها در قرن گذشته و آمریکاییها در آغاز این قرن صادر کرده‌اند، مؤید این نکته است که ذهنیت استعماری همچنان وجود دارد و در درجه اول تأمین اهدافی که منافع آنان را برآورده می‌کند بر اهداف ملت آزاد شده مقدم است. شما به سخنان مارک سایکس وزیر خارجه بریتانیا که به‌هنگام ورودش به بغداد در ۱۹۱۷ خطاب به ملت عراق ایراد کرد، نگاه کنید: «مردم عراق! همراه من، نسل‌هایی را به یاد آورید که تحت ظلم و جور استبدادگران بیگانه چه رنجها و عذاب‌هایی را متحمل شده‌اند... و ممکن نیست که صلح و توسعه در زندگی زیر سایه استبداد و سوء مدیریت شکوفا شود». این سخنان را با آنچه جورج بوش پیش از جنگ از ضرورت رویارویی با خطر صدام حسین و اهمیت آزادسازی ۲۳ میلیون عراقی از یوغ استبداد و دیکتاتوری گفته مقایسه کنید، تا دریابید که طرح تغییر تشکیلات حکومتی به طور کلی مولود اندیشه رئیس‌جمهور آمریکا، جورج بوش نیست، بلکه در زمینه بازسازی خاور نزدیک و خاورمیانه تلاش‌های بیشماری صورت می‌گیرد تا کشورهای شرق را در خدمت مصالح غرب درآورد.

در چارچوب نگرش تاریخی‌ای که بر آن بوده‌اید تا در خلال پژوهش خود آن را بیان کنید، آینده عراق را چگونه می‌بینید؟

عراق یکپارچه هرگز به سرانجام نمی‌رسد، زیرا الان می‌بینیم که عملاً یک دولت کردی در شمال هست که به جز به رسمیت نشناختن آن در سطح بین‌الملل، کم و کسری ندارد. بقیه عراق نیز یعنی مرکز و جنوب به لبنان دیگری و نه دو دولت مستقل تبدیل خواهد شد. سنی و شیعه همانند الگوی لبنانی در این دولت با هم خواهند بود.

بر اساس مطالعه و پژوهشی که درباره اوضاع جهان عرب در گذشته و حال داشته و به نتایجی رسیده‌اید به اعتقاد شما اعراب در این شرایط چه عملکردی باید داشته باشند؟

نخست باید با سیاست‌های سران کنونی آمریکا قطع ارتباط کنند تا اعتماد از دست رفته میان ملتها و نظام‌های حاکم دوباره ایجاد شود.

جمهوری دشوار

■ الجمهورية الصعبة: ایران في تحولاتها الداخلية

و سياساتها الاقليمية

■ طلال عترسي

■ بيروت دارالساقی

■ ۲۷۲،۲۰۰۶ صفحه

۸۲

کتابخانه
علوم اجتماعی

شماره‌های ۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸
مرداد، شهریور، مهر
۱۳۸۵

جمعی داشته باشد؛ ۲- برخورداری از فناوری هسته‌ای حق ایران است؛ ۳- ایران می‌گوید خاورمیانه باید عاری از سلاحهای هسته‌ای باشد. رئیس حزب کتائب لبنان اظهار داشت: به نظر من آینده نقش ایران در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس بستگی به مسئله پرونده هسته‌ای ایران دارد. آمریکا نمی‌تواند ایران را در درون خود محدود کند. ایران یک قدرت منطقه‌ای بزرگ است و به قول خاویر سولانا ایران یک قدرت رو به رشد بین‌المللی است. این کشور کاندیدایی برای ایفای نقش در صحنه بین‌المللی است.

سپس محمد علی مهتدی به ایراد سخن پرداخت. وی با اشاره به شناخت خود از نویسنده کتاب گفت: وی به عنوان یک پژوهشگر عربی نشان داده است که تا چه حد توانسته، اطلاعات دقیق و تحلیلهای صحیح و قابل توجه و نتیجه‌گیریهای مهمی را استخراج کند. من از طریق ارتباط با نخبگان عربی فهمیده‌ام که شکاف فراوانی میان روشنفکران و اندیشمندان عربی و ایرانی وجود دارد و هر یک از طرف دیگر تصویری مغشوش دارد. البته مسائل تاریخی در به وجود آمدن این ذهنیت تأثیر داشته است، اما در حال حاضر نیز اطلاعات طرفین از یکدیگر از سوی مراکز مطالعاتی غربی کسب می‌شود و هریک طرف دیگر را با عینک غربی می‌بیند.

اینکه نویسنده، نام «جمهوری دشوار» بر این کتاب گذارده به دلیل آن است که ولادت این جمهوری در شرایط دشوار جهانی شکل گرفت و در شرایط سخت و پیچیده جهانی ادامه یافت.

مهتدی افزود: کتاب به شیوه‌ای علمی نگاهشده شده است و البته درصدد اثبات یک فرضیه یا یک نظریه نیست، بلکه مطالعه‌ای تحلیلی درخصوص مسائل داخلی و خارجی ایران است. دقت در تحلیل آقای طلال عترسی (نویسنده کتاب) درباره اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران بسیار قابل توجه است. این کتاب علمی می‌تواند به عنوان منبعی برای مطالعات و پژوهشهای مربوط به ایران مورد استفاده قرار گیرد. البته کتابهای دیگری مانند «ایران من الداخل» اثر فهمی هویدی نیز هست که با اسلوبی مطبوعاتی نوشته شده است، ولی کتاب حاضر در واقع می‌تواند نیاز کتابخانه‌های عربی را در این زمینه برطرف کند.

مهتدی با اشاره به موضوعاتی که در کتابهای درسی برخی کشورهای عربی درباره ایران درج شده است، گفت: مثلاً در عراق نسلهایی را علیه ایران تربیت کردند و ما هنوز از این وضعیت ناشی از آموزش در کتابهای درسی رنج می‌بریم. ما در عین اینکه تلاش می‌کنیم پلهای ارتباطی میان نخبگان فکری ایرانی و عرب را ایجاد کنیم اما به نظر می‌رسد که مسائل تاریخی بسیار بیشتر از تلاشهای ما تأثیرگذار است. وی افزود در افغانستان ما از ائتلاف شمال و احمدشاه مسعود که سنی بود حمایت می‌کردیم و همچنین از برهان‌الدین ربانی، امروز نقش ایران در افغانستان بسیار بیش از آمریکاست. همین وضع در مورد عراق صحیح است، با این حال ما متهم به این هستیم که چون شیعه‌ایم، پس مسئول نامنی و کشتار در عراق هستیم.

در پایان طلال عترسی، نویسنده کتاب، اظهار داشت: من وقتی این کتاب را تمام کردم در انتخاب نامی برای آن مشکل داشتم و بالاخره نام الجمهورية الصعبة (جمهوری دشوار) برای آن برگزیده شد، این دشواری به سه دلیل است: ۱- دشواری در ساختن یک تجربه به عنوان جمهوری اسلامی، ۲- دشواری در تعاملات خارجی ایران؛ ۳- دشواری در فهم این تجربه. در این کتاب همچنین به شرح سیاستهای منطقه‌ای به ویژه پس از سقوط کابل و بغداد پرداخته شده است و سعی کرده‌ام تا حد امکان حقیقت سیاستهای ایران را شرح دهم و بالاخره اینکه ایران نمی‌خواهد با آمریکا وارد جنگ شود، مگر اینکه این امر به او تحمیل شود.

روز پنجشنبه ۱۳۸۵/۴/۲۲ میزگرد بررسی کتاب جدیداً انتشارات الجمهورية الصعبة؛ ایران فی تحولاتها الداخلية و سياساتها الاقليمية (جمهوری دشوار؛ تحولات داخلی ایران و سیاستهای منطقه‌ای آن) نوشته دکتر طلال عترسی، استاد دانشگاه لبنان، در راینزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بیروت برگزار شد. در این میزگرد که با نخستین روز حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی به لبنان مصادف شده بود، تنی چند از اساتید و چهره‌های فرهنگی حضور داشتند و طی آن کریم بقرادونی، رئیس حزب کتائب لبنان و محمدعلی مهتدی از جمهوری اسلامی ایران سخنرانی کردند.

بقرادونی، نویسنده این کتاب را اندیشمندی صاحب تجربه خواند و گفت در این کتاب که مشتمل بر یک مقدمه و هشت فصل است، دو محور وجود دارد: یکی تکیه بر پیشرفت اندیشه محافظه‌کار و اصلاح‌طلب در ایران و دیگری روابط میان ایران و آمریکا. در این کتاب سه فصل مربوط به روابط خارجی است با عناوین: ۱- ایران و آمریکا؛ پنجره‌های فرصت؛ ۲- سقوط کابل؛ و ۳- سقوط بغداد.

در ایران یک اندیشه مشترک وجود دارد و آن اینکه آمریکا تهدید محسوب می‌شود و باید ایران در برابر آن ایستادگی کند، اما درباره این مواجهه دو دیدگاه به چشم می‌خورد؛ یکی دیدگاه محافظه‌کاران و دیگری دیدگاه اصلاح‌طلبان.

وی افزود: آمریکا، جمهوری اسلامی را در شمار کشورهای به اصطلاح محور شر قرار داده است. در این میان دو کشور توانسته‌اند همدیگر را قانع کنند، اما پنجره‌هایی به عنوان فرصت وجود دارد. هر چند آمریکا برای ایران ممانعت‌هایی ایجاد کرده است، اما در مقابل، دیدگاههایی علیه این مواضع نیز وجود دارد؛ مانند دیدگاه برژینسکی و ریچارد مورفی که معتقدند سیاست فعلی علیه ایران، هزینه‌بر و مضر است و در همین حال ایران از فشارهای آمریکا علیه خود آگاه است. البته اسرائیل نیز مایل نیست هیچ‌گونه نزدیکی صورت پذیرد. هرگاه اسرائیل می‌بیند میان ایران و آمریکا نوعی نزدیکی در حال رخ دادن است، مانع آن می‌شود.

بقرادونی در ادامه با اشاره به اینکه بیش از ۵۰ صفحه از این کتاب به موضوع پرونده هسته‌ای ایران اختصاص دارد گفت: در این بخش سه محور اصلی به چشم می‌خورد: ۱- ایران تلاش نمی‌کند سلاح کشتار